بسم الله الرحمن الرحیم

حرکت کوه‌ها در قرآن

- بررسی تفسیری -

تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»

حرکت کوه‌ها در قرآن

- بررسی تفسیری -



no-atheism.net
no_atheism
islamway1434
asteira

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»



حرکت کوه‌ها در قرآن
معجزه‌ای عیان یا شیادی مفسران؟!

قرآن کریم یگانه راهی است که انسان می‌تواند برای رسیدن به هدایت، رشد و تعالی بدان روی آورد. قرآن کریم برای اثبات حقانیت خود، نشانه‌هایی را برای مخاطبان بیان کرده است. پاره‌ای از این نشانه‌ها در قالب حقایقی علمی بیان شده‌اند. از جمله‌ی این نشانه‌ها، حرکت کوه‌ها می‌باشد. این مطلب در آیه‌ی زیر بیان شده است:

﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ. وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ [نمل: ۸۷ – ۸۸]

ترجمه: «و روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمینند وحشت‌زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می گردند. کوهها را می‌بینی و آنها را ساکن و بی‌حرکت می‌پنداری، در حالی که کوهها مانند ابرها در سیر و حرکت هستند. این ساختار خدائی است که همه چیز را محکم و استوار آفریده است. مسلّماً وی از کارهائی که شما انجام می‌دهید بس آگاه است.»

امروزه می‌دانیم که کوه‌ها به دلیل حرکت پوسته‌ی زمین با سرعت ۱ الی ۵ سانتی‌متر در سال در حال حرکت‌اند. به دلیل سرعت بسیار پایین کوه‌ها، این حرکت تا اوایل قرن گذشته از ما پنهان بوده است. قطعاً این آیه، نشانه‌ای از جانب خداوند در اثبات الهی بودن قرآن می‌باشد.
اما در مقابل اسلام‌ستیزان، مسلمانان را به معجزه تراشی متهم می کنند و معتقدند که قرآن به حرکت کوه‌ها در حال حاضر اشاره‌ای ندارد. بلکه از آنجا که آیه‌ی قبلِی آن به قیامت اشاره دارد، حرکت کوه‌ها نیز از جمله اتفاقاتی است که در قیامت اتفاق خواَهد افتاد و به حال حاضر اشاره‌ای ندارد و در نتیجه هیچ اعجازی در بر نخواهد داشت.
در این مقاله قصد داریم پیرامون این موضوع سخن بگوییم که آیا آیه‌ی فوق به حرکت کوه‌ها در حال حاضر اشاره دارد و در نتیجه معجزه‌ای علمی می‌باشد و یا اینکه به زعم ملحدین،

آیه‌ی مورد نظر بیان کننده‌ی هیچ معجزه‌ای نبوده بلکه مسلمانان می‌خواهند به آیه مذکور، معجزه بچسپانند؟!

به یاری الله متعال مباحث ما در هفت قسمت ارائه خواهند شد که از این قرارند:

۱- بیان دیدگاه مفسرین در باره‌ی آیه ی مورد بحث؛
۲- ارائه‌ی استدلال و بیان نشانه‌ها و قرائن موجود در آیه در تأیید اعجاز علمی و رد انتساب آیه به روز قیامت؛
۳- آیات دیگر قرآن نشان می‌دهند که آیه‌ی مذکور، شرح حال روز قیامت نمی‌باشد؛
۴- بررسی آیاتی دیگر پیرامون حرکت کوه‌ها در روز قیامت و وجود یک تفاوت معنی دار؛
۵- بحثی پیرامون جملات معترضه در قرآن و پیوستگی و عدم پیوستگی آیات؛
۶- سخنی از علامه ابن عثیمین رحمه الله و نقد آن؛
۷- نتیجه گیری.

۱- بیان دیدگاه مفسرین در باره‌ی آیه‌ی مورد بحث

جمهور مفسرین از قبیل ابن کثیر رحمه الله، ابی سعود رحمه الله، فخررازی رحمه الله، قرطبی رحمه الله، سمعانی رحمه الله، نسفی رحمه الله، ابن قتیبه رحمه الله، شنقیطی رحمه الله، ابن عثیمین رحمه الله و ...، معتقدند که آیه‌ی مورد بحث در مورد روز قیامت نازل شده است. در این میان چندی از مفسران امثال عز ابن عبدالسلام رحمه الله، ماوردی رحمه الله و سهل ابن عبدالله تستری رحمه الله تفسیری عرفانی از این آیه ارائه داده‌اند و آیه را در مورد قیامت ندانسته‌اند. از میان مفسرانی که به اعجاز علمی این آیه اشاره کرده‌اند می‌توان به ابن عاشور رحمه الله، قاسمی رحمه الله، شعراوی رحمه الله، سعید حوّی رحمه الله، ابوبکر جزایری، و ...، اشاره کرد.

۲- ارائه‌ی استدلال و بیان نشانه‌ها و قرائن موجود در آیه در تأیید اعجاز علمی و رد انتساب آیه به روز قیامت

آیه‌ی مورد بحث را دوباره از نظر می‌گذرانیم:

﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ [نمل: ۸۸]

ترجمه: «کوهها را می‌بینی و آنها را ساکن و بی‌حرکت می‌پنداری، در حالی که کوهها مانند ابرها در سیر و حرکت هستند. این ساختار خدائی است که همه چیز را محکم و استوار آفریده است. مسلّماً وی از کارهائی که شما انجام می‌دهید بس آگاه است.»

شواهد و قرائن متعددی در این آیه وجود دارد که نشان می‌دهد موضوع آیه در مورد روز قیامت نمی‌باشد. این شواهد از این قرارند:

اول: عبارت ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً﴾ نمی‌تواند ناظر بر روز قیامت باشد زیرا روز قیامت روز ظهور حقایق و کشف باطن‌ها است. خداوند درباره‌ی این روز می‌فرماید:

﴿قَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ [ق:۲۲]

ترجمه: «تو از این غافل بودی ، و ما پرده از جلو چشمان تو به کنار زده‌ایم و امروز چشمانت کاملاً تیزبین شده‌اند.»

آیه‌ی مورد بحث به برداشت اشتباه انسان‌ها نسبت به کوه‌ها و ظن و گمانشان اشاره دارد. در حالی که در آن روز ظن و گمانی وجود ندارد. هر چه هست یقین است و بس و همه چیز عیان است. انسان‌ها در آن روز حقیقت اشیاء را خواهند دید. چشم‌ها در آن روز خطا نمی‌کنند و هر آنچه می‌بینند حقیقت است.

دوم: عبارت ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً﴾ با وضعیت کوه‌ها در روز قیامت و شرایط عجیب و غریبی که در دیگر آیات بیان شده است هیچ تناسبی ندارد. برای نمونه به آیات زیر که وصف قیامت هستند، توجه فرمایید:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا﴾ [طه: ۱۰۵]

ترجمه: «از تو درباره‌ی کوهها می‌پرسند. بگو : پروردگارم آنها را از جا می‌کند و پراکنده می‌دارد.»

﴿وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا﴾[طور: ۱۰]

ترجمه: «و کوهها روان می‌گردند. چه روان کردنی.»

﴿وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا﴾ [واقعه: ۵]

ترجمه: «و کوهها سخت درهم کوبیده می‌شوند و ریزه ریزه می‌گردند.»

﴿وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً﴾ [حاقه: ۱۴]

ترجمه: «و زمین و کوهها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند.»

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا﴾ [مزمل: ۱۴]

«روزی ، زمین و کوهها سخت به لرزش و جنبش درمی‌آید و کوهها به توده‌های پراکنده و تپه‌های ریگ روان تبدیل می گردد.»

شدت حوادث روز قیامت در حدی است که:

﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾ [زلزله: ۳]

ترجمه: «و انسان می گوید: زمین را چه شده است؟»

از خواننده‌ی محترم می‌پرسیم که آیا سکون و قراری که برای کوه‌ها در آیه‌ی مورد بحث بدان اشاره شده است (اینکه شخص کوه‌ها را ساکن می‌پندارد)، با تغییر و تحولات شدید و دگرگونی زمین و زمان که در دیگر آیات قرآن در وصف روز بازپسین بیان شده‌اند، هماهنگی دارد؟ آیا بیانی که از کوه‌ها شده است از همان نوع بیانی است که در دیگر آیات در مورد وضعیت کوه‌ها در روز قیامت بدان اشاره شده است؟ آیه‌ی مورد بحث با حالِ حاضر و حیات دنیوی ما بیشتر هماهنگی دارد تا اوضاع و احوال روز قیامت.

سوم: عبارت ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً﴾ با ترس و هراسی که در روز قیامت حاصل می‌شود تناسبی ندارد.

زیرا دیدن کوه‌های ساکن در روز قیامت هیچ ترسی در انسان بوجود نمی‌آورد و از این جهت وجود کوه‌های به ظاهر ساکن در روز قیامت توجیهی ندارد در حالی که کوه‌های ساکن در حیات دنیوی ما معمول است و نه در روز قیامت.

چهارم: عبارت ﴿صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ با اوضاع و احوال و اتفاقات روز قیامت هیچ تناسبی ندارد چرا که روز قیامت، روز از بین رفتن کوه‌ها، روز فساد در عالَم، خروج عالَم از نظم و نظام هستی و اخلال در نظام کائنات است. اساساً انهدام به اتقان نیاز ندارد. هیچ مناسب نیست که خداوند از اتقان در کوه‌ها سخن بگوید در روزی که «وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا = و کوه‌ها سخت درهم کوبیده می‌شوند و ریزه ریزه می گردند.» سخن از اتقان در ایجاد و خلقت معنی دار است و نه به هنگام انهدام و تخریب!

پنجم: عبارت «إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ= وی از کارهائی که شما انجام می‌دهید بس آگاه است» نشان می‌دهد که آیه به حیات دنیوی اشاره دارد. اگر آیه در مورد روز قیامت سخن می گفت،

مناسب بود که بگوید «انه خبیر بما فعلتم= وی از کارهائی که شما انجام داده‌اید بس آگاه است.»

توضیح اینکه در روز قیامت، تمامی انسان‌ها اعمال خود را انجام داده‌اند و زمان آنها به پایان رسیده است. در این صورت خداوند می‌بایست در روز قیامت در خطاب به انسان‌ها می‌فرمود: «وی از کارهائی که شما انجام داده اید بس آگاه است». در حالی که در آیه‌ی مذکور خداوند می‌فرماید: «وی از کارهائی که شما انجام می‌دهید بس آگاه است». و این عبارت، این معنی را می‌رساند که خداوند حال ما را مورد خطاب قرار می‌دهد. به عبارت دیگر خطاب آیه در مورد زمانی است که اعمالَ ما هنوز جریان دارد و زمان ما هنوز به انتهای خود نرسیده است و کارهایی را در ادامه‌ی زندگی انجام خواهیم داد. پس این آیه خطاب به ما در روز قیامت نیست.

٣- آیات دیگر قرآن نشان می‌دهند که آیه‌ی مذکور، شرح حال روز قیامت نمی‌باشد.

این قسمت از مقاله را با دو مقدمه شروع می کنیم:

مقدمه‌ی اول: اگر آیه‌ی مورد بحث (٨٨ سوره نمل) را بر روز قیامت حمل کنیم، می‌پرسیم که آیه به چه مرحله‌ای از قیامت اشاره دارد؟ شروع حوادث قیامت؟ قبل از مردن همه‌ی انسان‌ها؟ هنگام زنده شدن همه‌ی مردگان؟ هنگام حضور در صحرای محشر و در پیشگاه خداوند؟ و ... .

آیه‌ی ٨٧ نمل پاسخ را مشخص می کند:

﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ﴾ [نمل: ٨٧]

ترجمه: «و روزی که در صور دمیده شود ، و تمام کسانی که در آسمانها و زمینند وحشت‌زده و هراسناک شوند ، مگر کسانی که خدا بخواهد . و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می گردند.»

قسمت انتهایی آیه‌ی فوق نشان می‌دهد که **این آیه در مورد هنگام زنده شدن انسان‌ها و قرار گرفتنشَان در محضر خداوند سخن می‌گوید.** در صورت تفسیر آیه‌ی ٨٨ به روز قیامت، قطعا آیه‌ی ٨٨ نیز ناظر به همان روزی است که در آیه‌ی ٨٧ در مورد آن سخن گفته

شده است. **پس آیه‌ی مورد بحث (۸۸ سوره نمل) در مورد روز حاضر شدن انسان‌ها در پیشگاه خداوند صحبت می کند.**

مقدمه‌ی دوم: خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا * فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا * لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا * يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا * يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ [طه: ۱۰۵ – ۱۰۹]

ترجمه: «از تو درباره‌ی کوهها می‌پرسند. بگو : پروردگارم آنها را از جا می‌کند و پراکنده می‌دارد. سپس زمین را به صورت فَلات صاف و هموار رها می‌سازد. در آن هیچ گونه کجی و بلندی نمی‌بینی. در آن روز بدون کمترین سرپیچی ، از منادی پیروی می کنند و صداها به سبب مهربان فروکش می کند ، و جز صدای آهسته نمی‌شنوی. در آن روز شفاعت سودی نمی‌بخشد ، مگر کسی که خداوند مهربان به او اجازه دهد و گفتارش را بپسندد.»

ائمه‌ی لغت و تفسیر از قبیل:

جوهری رحمه الله می گوید: «الأَمْتُ: المكان المرتفع. وأَمْتُ: النِباك وهي التِلال الصغار. وقوله تعالى: " لا تَرى فيها عِوَجاً ولا أَمْتاً "، أي لا انخفاضَ فيها ولا ارتفاع.»[1]

ترجمه: «أمتُ یعنی مکان بلند. و اَمتُ همان نباک یعنی تپه‌ی کوچک هست و قول خداوند بزرگ: " لا تَری فیها عوَجاً ولا أَمْتاً " یعنی نه پستی‌ای در آن (زمین) است و نه بلندی.»

زبیدی رحمه الله می گوید: «الأمت: الانخفاض، والارتفاع، وبه فسر قوله تعالى: لاترى فيها عوجا ولا أمتا أي: لا انخفاض فيها ولا ارتفاع.»[2]

ترجمه: «امت یعنی پستی و بلندی. با آن قول خداوند بزرگ تفسیر می شود: لاترى فيها عوجا ولا أمتا یعنی نه پستی در آن است و نه بلندی.»

ابن منظور رحمه الله می گوید: «والأَمْتُ الانْخفاضُ والارْتفاعُ والاختلافُ في الشيءِ»[3]

ترجمه: «امت یعنی پستی و بلندی و اختلاف در چیزی.»

---

[1] . الصحاح في اللغة، الجوهری، ج۱، ص۲۱.

[2] . تاج العروس، الزبیدی، ج۵، ص۲۰۰.

[3] . لسان العرب، ابن منظور، ج۲، ص۵.

حافظ ابن کثیر رحمه الله می‌گوید: «﴿لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا﴾ أي: لا ترى في الأرض يومئذ واديًا ولا رابية، ولا مكانًا منخفضًا ولا مرتفعًا، كذلك قال ابن عباس، وعكرمة، ومجاهد، والحسن البصري، والضحاك، وقتادة، وغير واحد من السلف.»[۴]

ترجمه: «هیچ گودال و فرورفتگی ای و هیچ بلندی ای در آن وجود ندارد. ابن عباس رضی الله عنهما، عکرمه رحمه الله، مجاهد رحمه الله، حسن بصری رحمه الله، ضحاک رحمه الله، قتاده رحمه الله و بسیاری دیگر از سلف بر این رأی هستند.»

امام طبری رحمه الله می‌گوید: «صفصفا: يعني مستويا لا نبات فيه، ولا نشز، ولا ارتفاع.»[۵]

ترجمه: «صفصفا یعنی: صاف و مستقیم است؛ نه گیاهی بر آن است و نه بلندی‌ای و نه ارتفاعی.»

آیه‌ی فوق بیان می‌کند که در روزی که مردمان در پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند، زمین صاف و هموار است و هیچ پستی و بلندی در آن وجود ندارد.

و این نیز طبیعی است چراکه خداوند در آیات زیادی می‌فرماید که در طی حوادث قیامت، کوه‌ها از بین رفته‌اند.

﴿وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا﴾ [واقعه: ۵]

ترجمه: «و کوه‌ها سخت درهم کوبیده می‌شوند و ریزه ریزه می‌گردند.»

همچنین احادیث صحیحی وجود دارند که بیان می‌کنند در روز قیامت هیچ نشانه‌ای، پستی و بلندی و کوهی وجود ندارد!

بخاری رحمه الله و مسلم رحمه الله –با اسنادشان – حدیثی را نقل نموده‌اند که سیدنا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«يحشر الناس يوم القيامة على أرض بيضاء عفراء كقرصة النقي ليس فيها عَلَم لأحد.»[۶]

ترجمه: «مردم در روز قیامت بر روی زمینی جمع می‌شوند که رنگ آن بسیار سفید است و مانند قرص نانی است که از مغز خالص گندم درست شده باشد و هیچ اثر و نشانه‌ای برای کسی در آن دیده نمی‌شود.»

---

[٤] . تفسير القرآن العظيم، ابن كثير، ج٥، ص٣١٦.

[٥] . جامع البيان في تأويل القرآن، الطبری، ج١٨، ص٣٧١.

[٦] . صحيح مسلم، (حديث ٢٧٩٠). و در روايت بخاری (حديث ٦١٥٦) به جای كلمه‌ی علم، معلم آمده است كه به يک معنی است.

حدیث فوق بیان می‌کند که در روز حشر هیچ نشانه‌ای بر زمین وجود ندارد.
امام خطابی‌/ در شرح بر این حدیث می‌گوید: «به این معنی است که زمین صاف و راست است.»[۷]

قاضی عیاض/ می‌گوید: «در آن (زمین) هیچ نشانه‌ای از سکونت و هیچ بنایی و هیچ اثری و هیچ چیزی از نشانه‌هایی که بوسیله‌ی آنها مسیرها مشخص می‌شود، از قبیل کوه و صخره‌های آشکار وجود ندارد.»[۸]

پس نتیجه‌ی مقدمه‌ی دوم این است که در روزی که مردم در پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند، زمین صاف و هموار است و هیچ پستی و بلندی در زمین وجود ندارد.

نتیجه‌گیری از دو مقدمه: در مقدمه‌ی اول بیان کردیم اگر آیه‌ی ۸۸ سوره نمل را بر روز قیامت حمل کنیم، آن را باید ناظر بر روز زنده شدن انسان‌ها بدانیم چرا که آیه‌ی ۸۷ سوره نمل در مورد آن روز سخن می‌گوید.

در مقدمه‌ی دوم بیان کردیم که در روزی که انسان‌ها زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند قرار می‌گیرند، هیچ پستی و بلندی و کوهی بر روی زمین باقی نمانده است چرا که کوه‌ها در جریان حوادث دهشتناک قیامت از بین رفته‌اند.

از این دو مقدمه می‌توانیم به این نتیجه برسیم که اگر آیه‌ی ۸۸ سوره نمل را بر روز قیامت حمل نماییم، با دیگر آیات قرآن در تناقض قرار می‌گیرد، زیرا در آیه‌ی ۸۸ سوره نمل از وجود کوه در آن روز سخن می‌گوید در حالی که طبق آیات دیگر قرآن، در روز محشر هیچ کوهی وجود ندارد.

پس آیه‌ی ۸۸ سوره نمل را نمی‌توان ناظر بر روز قیامت دانست، چرا که در روز قیامت هیچ پستی و بلندی وجود ندارد.

۴- بررسی آیاتی دیگر پیرامون حرکت کوه‌ها در روز قیامت و وجود یک تفاوت معنی‌دار!

---

[۷]. فتح الباری، ابن حجر العسقلانی، ج۱۱، ص۳۷۵.

[۸]. منبع قبل.

اگر آیات دیگری از قرآن کریم را که در مورد حرکت کوه‌ها در روز قیامت سخن گفته‌اند از نظر بگذرانیم، در بیان با آیه‌ی مورد بحث (۸۸ سوره نمل) تفاوت جالبی دارند.
به آیات زیر توجه نمایید:
﴿وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [کهف: ۴۷]
ترجمه: «روزی ما کوهها را به حرکت در می‌آوریم، و زمین را نمایان می‌بینی، و همگان را گرد می‌آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی‌گذاریم.»
﴿وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا﴾ [طور: ۱۰]
ترجمه: «و کوهها به شتاب روان می‌گردند.»
﴿وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ [نباء: ۲۰]
ترجمه: «و کوهها به حرکت انداخته می‌شوند و یک سراب بزرگی را تشکیل می‌دهند.»
﴿وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ﴾ [تکویر: ۳]
ترجمه: «و هنگامی که کوهها رانده می‌شوند.»
همانطور که مشاهده می‌کنید در آیاتی که از حرکت کوه‌ها در روز قیامت سخن گفته شده است، از فعل (سَيَرَ) استفاده شده است ولی در آیه‌ی مذکور از فعل (مَرَّ) (وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ) استفاده شده است. این تفاوت می‌تواند نشانه‌ای بر این موضوع باشد که آیه ۸۸ سوره نمل به حوادثی که در جریان آخرت رخ می‌دهد، اشاره ندارد.

۵- بحثی پیرامون جملات معترضه در قرآن و پیوستگی و عدم پیوستگی آیات
یکی از اسلوبی که در قرآن به کرّات به چشم می‌خورد، بیانی است که به اسلوب اعتراض مشهور است. این اسلوب عبارت است از آوردن یک یا چند جمله که محلی از اعراب ندارد در میان کلامی که معنای بهم پیوسته دارد. حذف جمله‌ی معترضه نیز خللی در کلام ایجاد نمی‌کند.
بدرالدین زرکشی رحمه الله می‌گوید: «جمله‌ی معترضه عبارتی است که میان یک یا دو کلام که معنای بهم پیوسته‌ای دارند، فاصله می‌اندازد و بدون آن هم غرض کلام تمام است.»[۹]

---
۹ . البرهان في علوم القرآن، الزرکشی، ج۳، ص۵٦.

علما در بیان فواید جملات معترضه موارد زیادی ذکر کرده اند که از موضوع بحث ما خارج است. اما باید دقت کرد که هدف از بیان جمله‌ی معترضه، توضیح بیشتر و یا تأکید بر مطلب است. در قرآن موارد بسیاری از جملات معترضه وجود دارد که به دو مورد اشاره می‌کنیم:

مثال اول در سوره‌ی بقره:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [بقره: ۴۷]

ترجمه: «ای بنی‌اسرائیل ! به یاد آورید نعمت مرا که بر شما ارزانی داشتم، و این که من شما را بر جهانیان برتری دادم.»

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ﴾ [بقره: ۴۸]

ترجمه: «و بترسید از روزی که از دست کسی برای کس دیگری ، چیزی ساخته نیست ، و از او میانجیگری پذیرفته نمی گردد، و از کسی بلاگردان و جایگزین قبول نمی‌شود، و کسی به یاری کسی برنمی‌خیزد و همدیگر را نمی‌توانند کمک کنند.»

﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ [بقره: ۴۹]

ترجمه: «وآن گاه را که شما را از دست فرعون و فرعونیان رها ساختیم ، آنان که بدترین شکنجه‌ها را به شما می‌رسانیدند. پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند، و در این آزمایش بزرگی از جانب خدا، برایتان بود.»

همانطور که مشاهده می‌کنید خداوند در آیه‌ی۴۷ از نعماتی که به بنی اسرائیل ارزانی داشته سخن می گوید. ناگهان در آیه‌ی ۴۸ آنان را از روز قیامت می‌ترساند. یعنی زمان تغییر می کند. از حال به آینده می‌رود. سپس در آیه‌ی ۴۹ باز به نعماتی که به بنی اسراییل داده است می‌پردازد، از این‌رو آیه‌ی ۴۸ یک جمله‌ی معترضه است.

ولی آیه‌ی ۴۸ چه ارتباطی با آیه ۴۷ و ۴۹ دارد؟ ممکن است در بدایت امر هیچ ارتباطی مشخص نشود ولی اگر آیات قبلی و بعدی این آیات را نیز از نظر بگذرانیم متوجه این امر می‌شویم که هدف خداوند از این آیات، گوشزد کردن یهودیان در مقابل عواقب آزار و اذیت‌هایی است که نسبت به پیامبر اسلام جناب محمد مصطفیﷺ روا می‌داشتند.

خداوند نعمت‌هایی که به آنها ارزانی داشته را یادآور می‌شود و بیان می‌فرماید که در مقابل این نعمات، ای یهودیان کفر نورزید و با دین حق مخالفت ننمایید. هیچ انسانی نباید به خداوند کفر بورزد چه رسد به انسان‌هایی که خداوند بیشترین نعمت‌ها را به آنان عطا کرده است. پس هدف از آیات فوق اخطار به یهودیان است که با اسلام مخالفت نکنند چرا که امتّی بوده‌اند که خداوند بزرگترین نعمت‌ها را به آنان داده است. حال که به آنان نعمت داده است پس چگونه به خداوند کفر می‌ورزند. و همچنین آنان را از روزی که به پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند می‌ترساند.

یکی از حکمت‌های بیان جمله‌ی معترضه، تاثیرگذاری بیشتر در مخاطب است و همچنین اینکه آن جمله‌ی معترضه بیشتر در اذهان باقی می‌ماند. در میان سخن از نعمات، خداوند آنان را از کفران همان نعمت‌ها و جهنم می‌ترساند. بیان این اخطار در میان بحث از نعمت‌ها، بیشتر خود را نمایان می کند و اثر گذاری آن را بیشتر می کند.

مثال دوم در سوره‌ی لقمان:

﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳]

ترجمه: «زمانی را که لقمان به پسرش گفت - در حالی که او را پند می‌داد - پسر عزیزم! انباز خدا مکن، واقعاً شرک ستم بزرگی است.»

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ ...﴾ [لقمان: ۱۴]

ترجمه: «ما به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کرده‌ایم مادرش بدو حامله شده است و هر دم به ضعف و سستی تازه‌ای دچار آمده است.»

﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ...﴾ [لقمان: ۱۵]

ترجمه: «هر گاه آن دو، تلاش و کوشش کنند که چیزی را شریک من قرار دهی که کمترین آگاهی از بودن آن سراغ نداری ، از ایشان فرمانبرداری مکن.»

﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۱۶]

ترجمه: «ای پسر عزیزم ! نماز را چنان که شاید بخوان، و به کار نیک دستور بده و از کار بد نهی کن، و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش. اینها از کارهای است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید.»

داستان لقمانعليه‌السلام از آیه‌ی ۱۳ شروع می‌شود. ناگهان در آیات ۱۴ و ۱۵ از بحث لقمانعليه‌السلام خارج می‌شود و پیرامون رفتار با والدین سخن می‌گوید. سپس در آیه‌ی ۱۶ به بعد وارد داستان لقمانعليه‌السلام می‌شود. آیات ۱۴ و ۱۵ جملات معترضه هستند. در نگاه اول ممکن است بیان جملات معترضه در میان آیات ۱۳ و ۱۶ غیرموجه بنظر آید، ولی با تدبّر بیشتر به حکمت‌های آن می‌توانیم پی ببریم که یکی از علل بیان جملات معترضه در آیات ۱۴ و ۱۵ شاید این مسئله باشد که با شروع داستان لقمان حکیمعليه‌السلام، ما یک پدر و پسر را متصور می‌شویم که پدر در حال سفارش به پسرش است. واکنش طبیعی ما اینگونه است که در چنین مواقعی، پسر می‌بایست از پدر حرف شنوی داشته باشد. با خواندن داستان لقمانعليه‌السلام، حواس خواننده به لزوم تبعیت از والدین معطوف می‌شود ولی خداوند با بیان یک جمله‌ی معترضه، بیان می‌کند که تبعیت از والدین نیز حدی دارد و در معصیت و نافرمانی خداوند نمی‌توان از والدین تبعیت کرد. خداوند این تصور نادرست را (تبعیت از والدین در کفر) در صورت بوجود آمدن، در نطفه خفه می‌کند. اگر این جمله‌ی معترضه را در جایی دیگر و یا در پایان داستان لقمانعليه‌السلام بیان می‌کرد، تأثیرگذاری و ماندگاری آن در اذهان مخاطبان کمتر می‌شد.[۱۰]

نتیجه گیری

در مثال های فوق، نمونه‌هایی از آیات قرآن را ذکر کردیم که آیات پیوستگی ظاهری ندارند. ولی در بیان معنی، یک هدف را دنبال می‌کنند و از این جهت به هم پیوسته‌اند. آیات مورد بحث در سوره‌ی نمل نیز از این قرارند. به آیات مورد بحث توجه نمایید:

﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ﴾ [نمل: ۸۷]

---

۱۰ . مفسرین در سبب آمدن این جمله‌ی معترضه (سفارش در نحوه‌ی تعامل با والدین) در میان داستان لقمان، علل دیگری نیز ذکر کرده‌اند که مجال بیان آنها در این مقاله نیست، برای اطلاع بیشتر، به تفاسیر مختلف از قبیل تفسیر ابن عاشور مراجعه نمایید.

ترجمه: «و روزی که در صور دمیده شود ، و تمام کسانی که در آسمانها و زمینند وحشت‌زده و هراسناک شوند ، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می گردند.»

﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ [نمل: ٨٨]

ترجمه: «کوهها را می‌بینی و آنها را ساکن و بی‌حرکت می‌پنداری، در حالی که کوهها مانند ابرها در سیر و حرکت هستند . این ساختار خدائی است که همه چیز را محکم و استوار آفریده است. مسلّماً وی از کارهائی که شما انجام می‌دهید بس آگاه است.»

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ [نمل: ٨٩]

ترجمه: «کسانی که کارهای پسندیده انجام بدهند، پاداش بهتر و والاتری از آن خواهند داشت، و در آن روز چنین کسانی در امن و امان بسر می‌برند.»

با این توضیحات سوالی مطرح می‌شود و آن اینکه اگر آیه‌ی ٨٨ سوره نمل در مورد جهانِ حال حاضر می‌باشد، پس چرا این آیه در کنار آیات قیامت آمده است؟ اگر آیه‌ی مورد بحث در مورد حالِ حاضر است، آیا با آیات قبل و بعد از آن که در مورد قیامت است هماهنگی دارد؟

در پاسخ می‌گوییم که آیه‌ی ٨٨ سوره نمل در میان آیاتی قرار گرفته است که در مورد روز قیامت سخن می‌گوید. لازمه‌ی قضاوت خداوند در روز قیامت، علمِ دقیق خداوند به اعمال ما انسان‌هاست و خداوند بیان می‌کند که ای انسان‌ها! من از اعمال شما آگاهم.

آیه‌ی ٨٨ **یک جمله‌ی معترضه است که بیان کننده‌ی علم دقیق خداوند می‌باشد** چرا که حرکت کوه‌ها، امری نامحسوس است. خداوند با سخن از حرکت کوه‌ها بیان می‌کند که خداوند متعال از حرکت کوه‌ها (که بسیار ناچیز است) آگاه است پس چگونه از اعمال و رفتار شما دقیق و ریز شما نا آگاه خواهد بود؟! از این جهت است که در ادامه‌ی همان آیه می‌فرماید: «إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ= او به آنچه می کنید آگاه است.» در نتیجه خداوند با این علم دقیق، در روز قیامت از تمامی اعمالی که انجام داده‌ایم آگاهی خواهد داشت و بر طبق آنان قضاوت خواهد کرد و این دلیلی بر قدرت برانگیختگی خداوند در روز قیامت است.

پس علت سخن از حرکت کوه‌ها، بیان علم خداوند به حرکت کوه‌ها و در نتیجه علم خداوند به اعمال انسان‌ها می باشد و این علمِ کامل می‌بایستی انسان‌ها را از روز بازپسین بترساند.

به عبارت دیگر علت بیان حقیقت حرکت کوه‌ها در میان آیات قیامت، بیان علم دقیق خداوند است که از کوچکترین حوادث نامحسوسی که در طبیعت رخ می‌دهد آگاه است پس به مراتب اولی، خداوند از اعمال انسان‌ها که نامحسوس نیست آگاه خواهد بود. و خداوند نیز با این علم در روز قیامت داوری خواهد کرد.

پس اگر با تدبّر به این آیات (۸۹–۸۸–۸۷ از سوره نمل) بنگریم، نه تنها این آیات با یکدیگر ناهماهنگی نخواهند داشت بلکه به زیبایی می‌توان آنها را تفسیر کرد، چرا که هدف از بیان این آیات، یادآوری قیامت و تذکر به انسان‌هاست و خداوند در میانه‌ی بحث قیامت، به علم خود اشاره می‌کند و بیانگر این است که از اعمال ما آگاه است چراکه از کوچکترین چیزها (حتی حرکت کوه‌ها که مشخص و محسوس نیست) نیز آگاهی دارد پس چگونه است که از اعمال انسان‌ها آگاهی ندارد؟ در نتیجه خداوند اعمال ما را ثبت و ضبط می‌کند و در روز قیامت حسابرسی می‌فرماید.

۶- سخنی از علامه ابن عثیمین‌ رحمه الله و نقد آن

علامه ابن عثیمین‌ رحمه الله در مورد آیه‌ی ۸۸ از سوره نمل سخنی دارد. ایشان در این باره می‌گوید:
«بعضی از مردم می گویند این آیه ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾ به چرخش زمین معنی می‌دهد. درحالی که این غلط است و سخنی بدون علم است که به خداوند نسبت داده شده است. زیرا سیاق آیه همانطور است که خداوند می‌فرماید ﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ...﴾ پس آیه واضح است که در مورد قیامت است. اما فردی معتقد است که "روز قیامت روزی است که حقایق امور مشخص می‌شود و در آخرت ظن و گمانی وجود ندارد." و این نیز غلط است زیرا هنگامی که خداوند این مسئله (وجود ظن و گمان در آخرت) را اثبات کرد، پس واجب است که به آن ایمان بیاوریم و آن را با سخنمان تحریف نکنیم. علاوه بر آن خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ. يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾ [حج: ۱ – ۲]، ترجمه: «ای مردم! از

پروردگارتان بترسید. واقعاً زلزله‌ی هنگامه‌ی رستاخیز، چیز بزرگی است. روزی که زلزله‌ی رستاخیز را می‌بینید همه‌ی زنان شیرده‌ی که پستان به دهان طفل شیرخوار خود نهاده‌اند، کودک خود را رها و فراموش می‌کنند. و جملگی زنان باردار سقط جنین می‌نمایند، و مردمان را مست می‌بینی، ولی مست نیستند و بلکه عذاب خدا سخت است.»

خداوند بیان کرده است که مردم، گمان می‌کنند که دیگران مَست هستند در حالی که مَست نیستند (و این نشاندهنده‌ی وجود ظن و گمان در آخرت است). و در هر صورت بر ما واجب است که آیات را بر ظاهرشان حمل کنیم و اینکه سیاق آیه، معنی آیه را مشخص می‌کند.»[١١]

در پاسخ به سخنان علامه ابن عثیمین رحمه الله گفته می‌شود که در مقاله، استدلال‌های متعددی ذکر گردید و ثابت شد که آیه‌ی ٨٨ از سوره نمل در مورد روز قیامت نبوده بلکه حال حاضر را بیان می‌کند. پس سخن ما سخنی بدون علم و ناصحیح نمی‌باشد و همچنین سخنی نیست که از جانب خود بر قرآن چسپانده باشیم چرا که قرائن موجود در آیه نیز تأیید کننده‌ی سخن ما بود. البته ما بیان نمی‌کنیم که آیه‌ی مورد بحث، نشان دهنده‌ی دوران زمین است. تنها چیزی که ما در این مقاله بدان پرداختیم این مسئله بود که آیه ناظر بر روز قیامت نمی‌باشد و زمان حال ما را بیان می‌کند.

در مورد این سخن که آیه‌ی قبل از آن در مورد قیامت است، نیز در قسمت ۵ این مقاله بیان کردیم که عادت قرآن کریم است که در جاهای بسیاری، یک آیه در قالب جمله‌ی معترضه را در خلال موضوعی دیگر بیان نماید و این در حالی است که پیوستگی بحث نیز از بین نمی‌رود.

اما شیخ ابن عثیمین رحمه الله بر یکی از استدلال‌های ذکر شده نقد وارد کرده و آن اینکه ما بیان کردیم که روز قیامت روز ظن و گمان نیست و چشم‌ها خطا نمی‌کنند. ابن عثیمین رحمه الله این استدلال را رد کرده و به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌کند که در روز قیامت شما مردم را مَست فرض می‌کنید و در حالی که مَست نیستند و این نشان می‌دهد که انسان‌ها در روز قیامت نیز می‌توانند در برداشت خود از وقایع دچار اشتباه شوند!

---

[١١] . تفسیر القرآن، تفسیر سوره الکهف، ابن عثیمین، ج٦، ص٦٣.

در پاسخ گفته می‌شود که استدلال شیخ به آیات ۱ و ۲ سوره‌ی حج درست نیست؛ در روز قیامت به دلیل وحشتناک بودن وقایع، انسان‌ها از خود بی خود شده و حرکات عادی از خود نشان نمی‌دهند. مردم این حالات همدیگر را مشاهده می‌کنند و فکر می‌کنند که انگار مَست هستند در حالی که مَست نیستند بلکه عذاب خداوند شدید است!!!

خداوند در مورد روز قیامت می فرماید:

﴿فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ [ق: ۲۲]

ترجمه: «و امروز چشمانت کاملاً تیزبین شده‌اند.»

در روز قیامت انسان‌ها حقیقت اتفاقاتی که می‌افتد را می‌بینند. به عبارت دیگر آنچه که اتفاق می‌افتد را خواهند دید ولی در تفسیر آن وقایع ممکن است دچار اشتباه شوند و این دو مسئله متفاوت‌اند

در بحث آیه‌ی ۸۸ سوره نمل، مردم حرکت کوه‌ها را نمی‌بینند درحالی که در حال حرکت‌اند. انسان‌ها در اینجا در تفسیر حرکت کوه‌ها دچار اشتباه نشده‌اند. بلکه چشم آنها اشتباهی می‌بیند. در صورتی که در آیات سوره‌ی حج، چشم مردم اشتباهی نمی‌بیند ولی در برداشت از حرکت انسان‌ها، به اشتباه آنها را مست تفسیر می‌کنند.

پس استدلال ما که بیان کردیم در روز قیامت، چشم ها تیزبین هستند و اتفاقاتی که می‌افتد را دقیقاً می‌بینند، بر قوّت خود باقی است چرا که آیات سوره‌ی حج، بیان کننده‌ی تفسیر نادرست از حوادثی که انسان‌ها در قیامت می‌بینند، است و نه خطا در دیدن!

علاوه بر این، شیخ ابن عثیمین رحمه الله پس از اینکه سخنانشان را پیرامون آیه‌ی ۸۸ از سوره نمل مطرح می‌کند، در تفسیر آیه‌ی ۴۷ سوره کهف می‌گوید:

«فيوم القيامة لا جبال ولا أرض كروية.»[۱۲]

ترجمه: «و در روز قیامت نه کوهی وجود دارد و نه زمین کروی است.»

پس شیخ ابن عثیمین رحمه الله نیز معتقد است که در روز قیامت (روز حشر) هیچ کوهی وجود ندارد، پس با این حال چگونه است که آیه‌ی ۸۸ از سوره نمل که در آن از وجود کوه در چنین روزی سخن رفته است، بیان کننده‌ی روز قیامت خواهد بود؟!

---

[۱۲]. تفسير القران، تفسير سوره الكهف، ابن عثيمين، ج٦، ص٦٤.

۷- نتیجه گیری

خلاصه‌ی آنچه در این مقاله بدان پرداختیم از این قرارند:

۱. قرائن متعدد موجود در آیه، نشان می‌دهند که آیه، بیان کننده‌ی روز قیامت نیست.

۲. آیات دیگر قرآن نشان می‌دهند که در روز محشر هیچ کوهی بر روی زمین وجود ندارد.

۳. در دیگر آیات قرآن برای حرکت کوه‌ها در روز قیامت از فعل (سیر) استفاده شده است در حالی که در آیه‌ی مذکور از فعل (مرّ) استفاده شده است که این یک تفاوت معنی دار است.

٤. اینکه این آیه در میان آیات مربوط به قیامت آمده است مسئله‌ای بوجود نمی‌آورد چراکه آیه‌ی مذکور یک جمله‌ی معترضه است که این اسلوب بیانی نیز در قرآن به کرّات وجود دارد.

با این توصیفات در این مقاله نشان دادیم که تدبّر در آیه‌ی ۸۸ سوره نمل به وضوح نشان می‌دهد که آیه‌ی مذکور در مورد روز قیامت سخن نمی‌گوید و یک اعجاز علمی قوی در بر دارد. قطعاً قرآن کریم نیاز به تدبّر دارد. انسان‌ها به اندازه‌ای که در آن تدبّر نمایند، از آن بهره خواهند برد.

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ [محمد: ۲۴]

«آیا درباره‌ی قرآن نمی‌اندیشند یا این که بر دلهائی قفلهای ویژه‌ای زده‌اند؟»

***

«رد شبهات ملحدین»

مهر / ۱۳۹۸



رد شبهات ملحدین

 no-atheism.net

 islamway1434

 no_atheism

 no_atheism

 asteira